

نگاهی به مقاله جان هیک با عنوان

“دین به عنوان دست آویز ماهرانه”

خ. دوستدار

تعالیم دینی گرانبار از نظریه^{۱۲} اند و لذا هیچ واژه و مفهومی در دین وجود ندارد که بی هیچ تعبیری تجربه دینی را چنانکه هست وانما کند.

جالب آن است که جان هیک نخست در دینی این شواهد را نشان می‌دهد که بیش از هر دینی دیگر به نظر می‌رسد در برابر نظریه کثرت‌گرایی دینی تاب مقاومت دارد. او به سراغ آیین بودا می‌رود و در سخنان بودا به جست‌وجوی نظریه خود می‌پردازد. به نظر جان هیک مفهومی در آیین بودا وجود دارد که نه تنها ماهیت آیین بودا، بلکه احتمالاً ماهیت هر دینی را آشکار می‌سازد.

مفهومی را که جان هیک در آیین بودا یافته مفهوم «اوپایه»^{۱۳} است که در انگلیسی به *skillful means* و در فارسی به «دست‌آویز ماهرانه» برگردان شده است. جان هیک اطلاعات خود را درباره این مفهوم از کتاب دست‌آویز ماهرانه: مفهوم آیین بودای مه‌ایانه^{۱۴}، اثر مایکل پای^{۱۵} گرفته است.

اوپایه دارای دو معنای خاص و عام است. در معنای خاص به این معنا است که استاد در مقام تعلیم باید سطح فهم مخاطبان خود را بسنجد و متناسب با آن سطح تعلیم را عرضه کند. جان هیک بر معنای دوم و عام اوپایه تأکید دارد و بر این باور است که معنای اوپایه مدد‌رسان نظریه اوست. به نظر هیک، بودا اولین کسی است که در آیین بودا به معنای عام اوپایه

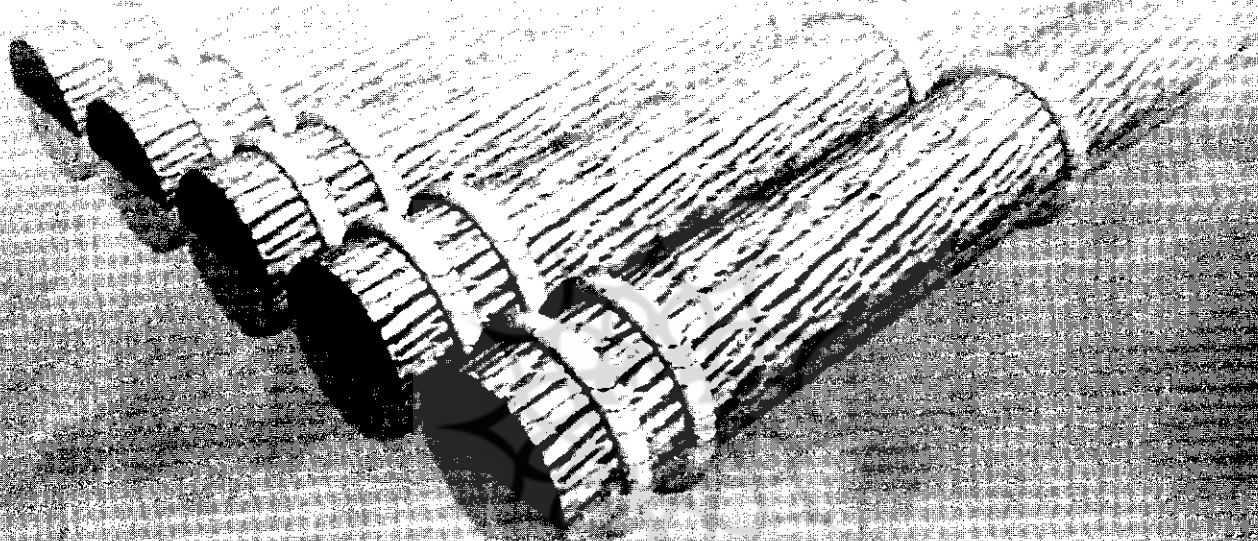
چنین شواهدی به خودی خود هم می‌تواند موید نظریه کثرت‌گرایی دینی جان هیک باشد و هم می‌تواند وحدت‌متعالی ادیان^{۱۶} را تأیید کند. بنا بر نظر هیک، در هر دینی یکی از دو نام خدا معطوف به خدای ناشناختنی است و نام دیگر ناظر به خدای شناختنی و تکرر ادیان برخاسته از خدای شناختنی است. از این رو است که هر دینی آن را به گونه‌ای می‌خواند، یکی یهوه، یکی الله و دیگری درمه‌کایه مهر و شفقت و مانند آن.

وحدت‌متعالی ادیان می‌تواند تبیینی دیگر از مفهوم خدا ارائه دهد. بنابراین نظریه، هر دو نام معطوف به خدای شناختنی‌اند. یک نام ناظر به خدای است که شهودبردار است و نام دیگر معرف خدای شناختنی عقلی است. وحدت ادیان ریشه در تجربه دینی مشترک دارد و کثرت ادیان برخاسته از شناخت عقلی است.

از این رو، به نظر می‌رسد جان هیک باید قدم دیگری نیز بردارد و نشان دهد که هر دینی نیز نباید می‌کند که واقعیت آنچنان که هست را شهود نمی‌کند و خدا در سطح نومن مطلقاً ادراک‌ناپذیر است و تنها واقعیت‌گایی در سطح پدیدار متعلق شناخت آدمی است. او افزون بر آن که نشان می‌دهد که خدا دو نام دارد، باید آشکار سازد که هیچ یک از این دو نام واقعیت‌گایی را چنانکه هستند نشان نمی‌دهند. هیک با گشت و گذار در ادیان می‌کوشد تا نشان دهد که همه

کثرت‌گرایی^۱ جان هیک از دو سو تغذیه می‌شود؛ از یک طرف، ریشه در نظریه معرفت‌شناسانه کانت^۲ دارد، و از طرف دیگر، این دین‌پژوهی است که شواهد را در اختیار کثرت‌گرایی قرار می‌دهد. بنا بر نظریه کانت، واقعیت آن چنان است که به چنگ ادراک آدمی نمی‌آید؛ ما تنها با واقعیت آن چنان که به ادراک آمده است سروکار داریم. به تعبیری دیگر، نومن^۳ دست‌نیافتنی است و دست ادراکات آدمی تنها به فنومن^۴ می‌رسد. از این رو، ادیان به عنوان ادراک واقعیت‌گایی تنها واکنشی در سطح پدیدارند. و این یعنی آنکه مفاهیم مختلف درباره خدا تنها نشان‌دهنده آن است که ادیان در سطح پدیدار مختلف و متکثراند اما در سطح نومن، همه ادیان معطوف به یک واقعیت‌گایی‌اند.^۵

وقتی که وارد حوزه دین‌پژوهی می‌شویم و به‌طور خاص به کندوکاو پیرامون خدا در ادیان می‌پردازیم، درمی‌یابیم که در هر دینی خدا دارای دو مفهوم است؛ یکی از این دو مفهوم وجه تمایز و تکرر ادیان را شرح می‌دهد و دیگری وجه تشابه و همانندی ادیان را با یکدیگر توضیح می‌دهد. در یهودیت یهوه^۶ و ان‌سوف^۷، در مسیحیت خدای پدر و عیسی، در اسلام حق واللّه، در هندوئیسم نیرگونه برهمن^۸ و ساگونه برهمن^۹ و در بودیسم درمه‌کایه^{۱۰} چینی^{۱۱} و درمه‌کایه مهر و شفقت و در... وجود دارد.



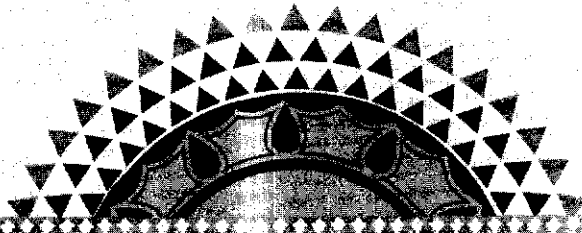
کس که نگرسته مرا دریابد، هنگامی که طی گزاره‌های من یعنی بر پایه آنها از گزاره‌های من بالا رود آنها را بی‌معنا می‌یابد (به یک تعبیر، او پس از بالا رفتن از نردبان، باید نردبان را بنور افکند).^{۱۹} خلاصه آنکه از گفتار بودا می‌توان نتیجه گرفت که آیین بودا «دست‌آویز ماهرانه» (اوپایه) است. جان هیک تا اینجا نیمی از راه را رفته است. زیرا مثل جاله رادر معنای خاص هم می‌توان توضیح داد که در آن صورت، شاهد تام و تمامی برای کثرت‌گرایی جان هیک نمی‌تواند باشد. مایکل پای خود به توضیح مثل جاله پرداخته است. اما جان هیک آن را ناکافی می‌داند. نویسنده کتاب اوپایه معتقد است که این مفهوم توضیح می‌دهد که چگونه جنبش بودایی توانسته است در فرهنگ‌های مختلف راه پیدا کند و در نتیجه اشکال مختلفی به خود بگیرد. درمه این قابلیت را دارد که خود را با

اگر چنین کند، کاری لازم انجام داده است؟
- ای سرور.

- ای رهروان، آن مرد چه باید بکند تا آنچه با آن جاله می‌یابد کرد را کرده باشد؟ ای رهروان، در این هنگام مردی که به آن سو رسیده و دریافته که چقدر آن جاله برایش مفید است، با خود می‌اندیشد: اگر من این جاله را بر زمین خشک بگذارم، یا آن را در آب رها کنم، می‌توانم به سفر خود ادامه دهم؟ ای رهروان، مردی که این کار را کرده آنچه با آن جاله می‌یابد کرد کرده است. ای رهروان، من در این راه درمه را برای گذشتن، نه برای نگاه‌داشتن، به شما تعلیم داده‌ام...^{۱۸}

کسانی که با کتاب‌های فلسفی فیلسوفان غربی سروکار دارند، بی‌درنگ با خواندن این گفتار بودا به یاد این جمله وینگشتاین می‌افتند:
گزاره‌های من بدین راه روشن‌کننده‌اند که: آن

اشاره کرده است. مثل جاله را بودا به این معنای به کار برده است. گفتار بودا در مجمه نکایه^{۱۷} از این قرار است: «ای رهروان، من درمه را که برای گذشتن است و نه برای نگاه‌داشتن یا تمثیل جاله به شما می‌آموزم، گوش کنید، توجه کنید، من سخن می‌گویم. مثل این که مردی به هنگام سفر، در برابر خود آبی گسترده بیند. این کنار پر از خطر و بیم، و آن کنار ساحل ایمنی و آرامش است؛ در آنجا نه زورقی هست و نه پلی که از این کنار به آن کنار برود. به خاطرش می‌رسد که برای گذشتن از خطرهای این ساحل و رسیدن به ایمنی آن ساحل از علف و چوب و شاخه و برگ‌ها جالهایی بسازد تا با کوشش دست و پا و آویختن به آن بتواند به سلامت به آن سو برسد. چون این کار را کرد و به آن سو رسید به فکرش می‌رسد که این جاله بس سودمند است و با خود می‌اندیشد که آن را بردارد و ببرد. ای رهروان، شما چه می‌اندیشید؟ آیا این مرد،



نیازهای مردم و با دوره‌های مختلف انطباق دهد. کافی است تا به آیین بودایی در هند، سریلانکا، ژاپن، کره و آمریکا نگاه کنید. درمی‌یابید که تفاوت بارز و چشمگیری بین آنها وجود دارد و هر یک ویژگی خاص خود را دارد و به تعبیری آینه ویژگی تمدن‌های مختلف‌اند و به شکل منظروف خود درآمده‌اند.

جان هیک بر آن است تا توضیح اساسی و بنیادینی درباره مثل جاله ارائه دهد. او ویژگی انطباق‌پذیری آیین بودا را انکار نمی‌کند، اما معتقد است مثل جاله بیش از همه به ویژگی‌ای اشاره دارد که آن معرف ماهیت بودا است. مثل جاله می‌خواهد بگوید که تعلیم بودایی بی‌هیچ استثنایی ذاتاً نسبی^{۲۰} و موقتی‌اند.^{۲۱} یعنی آنکه این چنین نیست که بودا چرخ درمه^{۲۲} را متناسب با فهم مخاطبان به حرکت آورده است، بلکه از آنجا که خود بودا یک انسان است، وقتی که سکوت خود را شکست و تجربه نیروانهای را به زبان آورد، به‌ناگزیر رنگ انسانی به خود گرفت. بنابراین، تعلیم بودا؛ رنج، توقف رنج، و راه رهایی از رنج؛ نیروان، زنجیره علی، ناپایدگی و نا-خود مطلق نیستند، بلکه نسبی و زمانی‌اند. و به تعبیر بودا اوپایه‌اند.

هیچ معتقد است که نمی‌توان گفت تعلیم بودایی دو دسته‌اند؛ اوپایه‌ای و غیراوپایه‌ای. زیرا تعلیم بدون استثنا، گرانبار از نظریه‌اند. اما همه تعلیم اوپایه‌ای در یک سطح قرار ندارند، بلکه دارای مراتب‌اند و ذومراتبی بودن آنها خود ریشه در میزان گرانبار از نظریه بودن آنها دارد.

او برای آنکه اولاً نشان دهد که یکایک تعلیم اوپایه‌ای‌اند و ثانیاً اثبات کند تعلیم در سطوح مختلف‌اند، بر فرقی تکیه می‌کند که در غرب بین تجربه^{۲۳} و تعبیر^{۲۳} می‌گذارند.

تجربه در داستان‌های زندگی بودا و تعلیم متون پالی به دو صورت آمده است. یکی تجربه انسان معمولی است. تجربه رایج و فراگیری که همه زندگی انسان‌های معمولی را دربر گرفته است. کهولت، پیری، مرگ، اضطراب، دلهره، غم، از دست دادن آنچه را که دوست می‌داریم و مانند آن تجربه انسان معمولی است و بودا آن را رنج^{۲۵} (دوکه)^{۲۶} می‌خواند. به نظر هیک، مادام که به چنین تجربه‌ای یا واژه دوکه اشاره می‌کنیم و هیچ بار مفهومی دیگر بر آن نیفزوده‌ایم، می‌توان گفت دوکه یک نظریه متافیزیکی نیست، بلکه واژه‌ای است که به واقعیت تجربه‌شده اشاره دارد.

تجربه دیگر تجربه نیروانهای است همان چیزی

که بودا پس از هفته‌ها مراقبه در زیر درخت بودی به آن دست یافت. توقف دوکه نیز، یعنی سومین حقیقت شریف، گزارشی از تجربه نیروانهای است، نه نظریه‌پردازی درباره آن.

حقیقت دوم، که علت و خاستگاه رنج است، و حقیقت چهارم، که راه آزادی از دوکه (رنج) است نیز نظریه متافیزیکی نیستند، گزارشی از تجربه‌اند.

بنابراین، چهار حقیقت شریف نظریه متافیزیکی نیستند، گزارشی از تجربه‌اند، اما در عین حال واقعیت را چنانکه هست نمی‌نمایانند زیرا همچنان یک تعبیراند. یعنی به صرف آنکه چهار حقیقت شریف نظریه متافیزیکی نیستند، نمی‌توان نتیجه گرفت که پس تعبیر نیستند. زیرا تجارب شناختاری‌اند و هر تجربه شناختاری مستلزم استفاده از مفاهیم‌اند و در نتیجه تعبیراند. لذا گزارشی از تجربه که تعبیر نباشد وجود ندارد.

بنابر آنکه تعلیم یا گزارشی از تجربه‌اند یا نظریه‌ای ناظر به تجربه، هیک نتیجه می‌گیرد که تعلیم در یک سطح قرار ندارند؛ برخی در سطح پایین اوپایه‌اند و برخی دیگر در سطح بالای اوپایه‌اند. اینکه یک تعلیم در چه سطحی قرار دارد، بسته به این است که به چه میزانی گرانبار از نظریه است. و مادام که تعلیمی صرفاً گزارش تجربه است گرانبار از نظریه بودن آن زیاد نیست و در نتیجه در سطح پایین اوپایه قرار دارد. به‌اختصار اکنون به دو تعبیر متفاوت از یک تجربه معمولی انسان می‌پردازم که عبارت است از دوکه و زنجیره علی.^{۲۷} زنجیره علی، آن‌طور که در متون پالی آمده است به خاستگاه رنج می‌پردازد همچنان که دومین حقیقت شریف نیز به خاستگاه رنج می‌پردازد. اما تفاوت این دو در این است که دومین حقیقت شریف گزارش تجربه است ولی زنجیره علی چیزی فراتر از گزارش است و درواقع یک نظریه است.

چنانکه آمد، این آموزه به دایره بسته دوکه اشاره دارد و تا اندازه‌ای به طور گزینشی آن را طبقه‌بندی و نام‌گذاری کرده است. و چه بسا می‌شد آن را به گونه‌ای دیگر دسته‌بندی کرد. درواقع، همانند کیک است که می‌توان آن را به صورت‌های مختلف برید. زنجیره علی از آنجا که نظریه است، نه گزارش، در سطح بالایی اوپایه قرار دارد، برخلاف دومین حقیقت شریف. در مه‌ایانه زنجیره علی با آموزه‌های دیگری مانند ناپایدگی (انپچه)^{۲۸}، ناخود (انتا)^{۲۹} و تهیگی (شونتیه)^{۳۰} پیوند می‌خورد و از اینکه نظریه‌ای درباره

تجربه است برجستگی بیشتری پیدا می‌کند. در اینجا زنجیره علی، با توجه به پیوستگی با دیگر آموزه‌ها، به معنای آن است که کل جهان در تغییر مدام است و هر چیزی به‌طور دوسویه وابسته به یکدیگرند و هیچ چیزی وجود استقلال ندارد و ما نیز از مصادیق زنجیره علی هستیم و دارای من پایا نیستیم.

نتیجه آنکه، تک‌تک تعلیم بودایی گرانبار از نظریه‌اند و به عبارت دیگر، تعلیم بودایی تعبیر تجربه‌اند. و مراد از اوپایه (دست‌آویز ماهرانه) همین است. همان‌طور که آیین بودا تعبیر تجربه است و تمامی تعلیم آن گرانبار از نظریه است دیگر ادیان نیز همانند آیین بودا اوپایه‌هایی‌اند که انسان سوار بر آنها از رود می‌گذرد.

* John Hick, Religion "as Skilful Means"

پانوشته‌ها:

1. pluralism
2. Kant
3. noumenon
4. phenomenon
5. ultimate reality
6. Yahweh
7. ein sof
8. nirguna Brahman
9. saguna Brahman
10. dharmakaya
11. tathta
12. transcendent unity of religion
13. theory laden
14. upaya
15. A concept of mahayana Buddhism
16. Michael Pye
17. Majjhima nikaya

۱۸. پاشایی، ع، بودا، نشر مروارید، تهران، چاپ چهارم

۱۳۷۴.

۱۹. لودویگ ویتگنشتاین، رساله منطقی - فلسفی، ترجمه

میرشمس‌الدین ادیب سلطانی، نشر امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۹.

20. relative
21. provisional
22. dharma
23. experience
24. interpretation
25. suffering
26. dukkha
27. pratityasamutpada
28. anicca
29. anatta
30. sunyata